

بودند و ریشه آن ، در تمدنهای ایرانی پیشین بوده
اما در دوره ساسانی بر سختگیری افزوده بودند .
در درجه اول هفت خانواده اشراف (۲) و پس از
ایشان طبقات پنجگانه (۳) امتیازاتی داشتند و
عمامه مردم از آن محروم بودند ، تقریباً مالکیت
انحصار به آن هفت خانواده داشت .

ایران ساسانی که از یکسویه رود چیحون و از
سوی دیگر به کوههای قفقاز و رود فرات می پیوست
ناچار در حدود سد و چهل مایون جمعیت داشته است
اگر عدد افراد هر يك از هفت خاندان را سدهزار
تا بیست هزار بگیریم ، شماره ایشان به هفتصد هزار میرسد
و اگر فرض کنیم که مرد بانان و دهکامان (مالکان)
که ایشان نیز قاندازمای از حق مالکیت محرومند
بوده اند نیز هفتصد هزار باشند . تقریباً از این
سد و چهل مایون بیست میلیون و نیم حق مالکیت داشته و
دیگران همه از این حق طبیعی خدای محروم بوده اند !
ناچار هر آئین تازه ای که امتیازات ناروا را از زمین
می برد در بسیاری فراهم میکرد و به میلیونها مردم
محروم حق مالکیت میداد و امتیازات طبقاتی را از زمین
می برد همه مردم با شور و هیجان بدان میگریزیدند ...
و بسماً خواهیم دید که همین وضع زمینه سلطه
عجمی برای پذیرش آئین صد طبقاتی اسلام آمده
ساخت در این دوره تعلیم و تربیت و در اگر فن علوم
و مداول انحصار به مؤید زادگان و نجیب زادگان
داشته و اکثریت به اتفاق فرزندان ایران از آن
محروم بوده اند . (۴)

ملاك بوده اند ، اخلاص بیشتری نداشتیم .
د آمیانوس می گوید : « اشراف مزبور خود
را صاحب اختیار جان غلامان و رعایا
میدانستند » وضع رعایا در برابر اشراف
ملاك بهیچوجه با احوال غلامان تفاوتی
نداشت ...

قدمتین اینست که رعایا گاه به دولت و گاه
به اشراف و گاه بهردو مالیات میدادند و مجبور
بوده اند ، در بنام پرچم از باب خود سخن بروند
با وجود این ، نظریه اهمیت فوق العاده ای که
زراعت در آئین زردشتی داشته ، چنانکه کتابهای
مقدس در ستایش این کار مبالغه کرده اند ، مسلم است که
حقوق قانونی زارعین از روی دقت معین بوده است .
چند سنگ از سنگهای اوستا معنوی قواعد و
احکامی در این خصوص بوده اند ، (۱)

بهشت هزار فامیل ولی جهنم نودها
نظام منفور طبقاتی در عصر ساسانی
در جامعه پدید آمده بود که از یکسوا اکثریت مردم
از نیازمندیهای اولیه زندگی محروم و به انواع
شکنجهها و اجحافها گرفتار بودند و از سوی دیگر
عده محدودی از آنان در ناز و نعمت غوطه و درازمه
مواهب زندگی بهره مند بودند ؛ یکی از نویسندگان
معروف و واسع آشفته ایران در دوره ساسانی که بهشت
هزار فامیل ، و جهنم نوده زحمتکش بوده ؛ بطور
تشریح میکند : « ... چیزی که بیش از همه در میان
مردم ایران دفنای افکننده بود امتیاز طبقاتی
سیار حسی بود که ساسانیان در ایران مرقر کرده

(۱) ایران در زمان ساسانیان من ۲۲۹-۲۴۵

(۲) هفت خانواده عبارتند از : خاندان ساسانی ، گاردن پهلوان ، سوری پهلوان ، اسپهبد پهلوان ، اسپهبدیاد ، مهران

دبک ، (ایران در زمان ساسانیان من ۱۲۲)

(۳) طاهرا ، منطوق از این پنج طبقه عبارتند از : مالکان ، حکام ولایات ، فرماندهان ارتش ،

رجال دین ، طبقات فرعی دیگری که از اربابها منشعب میگرددند (النظم الاسلامیه من ۲۰)

(۴) تاریخ اجتماعی ایران ج ۲ من ۲۴-۲۶